

تحلیلی جامعه‌شناختی از منافع گروه‌های انقلابی در انقلاب مشروطه

احسان فرهادی*

عباس کشاورز**، علی مرشدی‌زاده***، عباس نعیمی****

چکیده

هدف نوشتار حاضر شناسایی منافع گروه‌های گوناگون مدعی قدرت در انقلاب مشروطه است. نوآوری پژوهش آن است که با وجود آثار بسیار درباره انقلاب مشروطه، تا به حال اثری به تحلیل منافع گروه‌های بسیج‌گر انقلابی در مشروطه با استفاده از نظریه‌ای خاص نپرداخته است. رهیافت کلی این مقاله جامعه‌شناسی تاریخی و چهارچوب نظری آن مفهوم منافع در مدل بسیج «چارلز تیلی» است. روش پژوهش تحلیل اسناد تاریخی شامل کتب و مقالات و روش قیاسی است. بدین معنا که با کاربری مفهوم منافع و با استفاده از اسناد تاریخی به شناسایی و انگیزه‌های گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی مشروطه‌خواه می‌پردازیم. بازه زمانی مورد مطالعه از به‌چوب‌بستن تجارت قند به عنوان نقطه آغاز تا صدور فرمان مشروطیت به عنوان پیروزی انقلاب مشروطه است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه، نظریه بسیج منابع، چارلز تیلی، گروه‌های چالش‌گر، منافع.

۱. مقدمه

بر اساس واقعیت‌های تاریخ معاصر ایران، شاید بتوان انقلاب مشروطه ایران را بزرگ‌ترین و در عین حال درخشان‌ترین تحول تاریخی‌ای دانست که در ایران پس از

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) eh.farhadi@gmail.com

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد تهران keshavarz@shahed.ac.ir

*** استادیار دانشگاه شاهد تهران alimorshedizad@yahoo.com

**** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی abbas.naiemi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۳

اسلام به وقوع پیوسته است. اگر ادعا شود که تغییرات بنیادین و پسینی که پس از این رخداد سترگ در تاریخ معاصر ایران رقم زده شده است مانند جنبش جنگل، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، و دگرگونی‌های عظیم ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی در امتداد نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان بوده است، سخنی گزاف نرفته است. از سوی دیگر از نتایج کوتاه‌مدت اما ماندگار این انقلاب همین بس که، حکومت ایران که برای سالیان متمادی به روش استبدادی و فردی اداره می‌شد، مشروط شد و ایران برای اولین بار نهادهای مدرن حکومتی همچون مجلس قانون‌گذاری را تجربه کرد.

با کمی تساهل می‌توان آغاز مرحله بسیج‌گری در انقلاب مشروطه را به‌چوب‌بسته‌شدن (فلک‌کردن) تجار قند دانست. پس از این واقعه فرایند بسیج گروه‌های انقلابی (روشنفکران، روحانیان، و بازاریان) در اعتراض به اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی کشور در غالب کنش جمعی مهاجرت و تحصن آغاز شد. مرحله اول با وعده‌های دولت برای انجام خواسته‌های انقلابیون پایان یافت، اما پس از گذشت چند ماه تأخیر در اجرا شدن مطالبات انقلابیون، دومین مرحله از فرایند بسیج به شکلی گسترده‌تر از مرحله اول شروع شد و در نهایت قدرت سیاسی حکومت، در برابر قدرت اجتماعی مشروطه‌خواهان، توان مقاومتش را از دست داد و در مرداد ۱۲۸۵ ش با صدور فرمان مشروطه از سوی مظفرالدین‌شاه، بسیج انقلابی مشروطه‌خواهان به پیروزی رسید (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۱۰؛ کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۸).

درباره نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان نوشتارهای زیادی موجود است، اما بیش‌تر آنان از منظر تاریخی به موضوع پرداخته‌اند و جای تحلیل‌های جامعه‌شناختی خالی است. در این مقاله با مفروض داشتن آگاهی کامل مشروطه‌خواهان از انجام کنش مشروطه‌خواهی شان و با توجه به مفهوم منافع در دیدگاه چارلز تیلی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین برآمده‌ایم که کنش‌گران انقلابی در عصر مشروطه در پی تعقیب و به چنگ آوردن چه منافع دست به مخاطرات انقلاب زدند؟

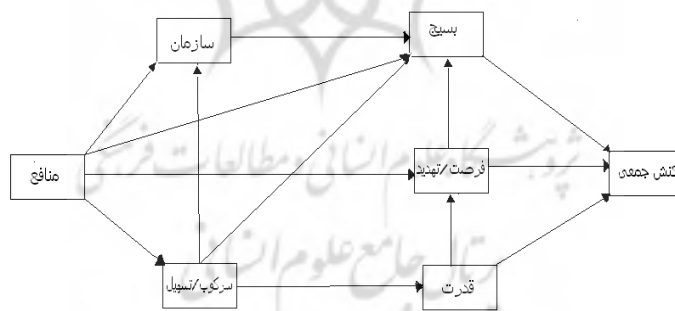
۲. چهارچوب نظری

نظریه «بسیج منابع» یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های تبیین‌کننده فرایند جنبش انقلابی است که افرادی مانند آنتونی اوبرشال، گامسون، زالد، مکاری، فریمن، و چارلز تیلی آن را مطرح کردند.

متفکران نظریه بسیج منابع فرایند وقوع جنبش انقلابی را در یک جامعه و مجموعه علل و عواملی را که سبب می‌شود یک حرکت جمعی اولیه در درون یک جمعیت روزبه‌روز توسعه‌یافته‌تر شود و درنهایت به یک بسیج فراگیر علیه رژیم تا سرنگونی آن منجر شود ارزیابی و بررسی می‌کنند (پناهی، ۱۳۸۷: ۲۳۲؛ جلائی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۲).

چارلز تیلی یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان بسیج منابع است که در چهارچوب این نظریه مجموعه دیدگاه‌هایش را در قالب دو مدل «جامعه سیاسی» و «بسیج منابع» ترسیم می‌کند. او با بهره‌مندی از مجموعه فرضیه‌ها و نظریات این دیدگاه و همچنین با استفاده از دیدگاه‌های خارج از این پارادایم نظری، نظریه بسیج منابع را به طور کامل‌تری تدوین می‌کند. استفاده تیلی از دیگر مکاتب نظری به غیر از نظریه بسیج منابع باعث شده است تا نظریه وی به نام «نظریه کشمکش» یا «تعارض سیاسی» نیز معروف شود.

تیلی با ارائه دو مدل جامعه سیاسی و بسیج منابع، فرایند کنش جمعی در جامعه را تحلیل می‌کند. وی در مدل دوم نظریه‌اش، یعنی مدل بسیج منابع، قصد توصیف رفتار یک مدعی منفرد در عرصه مبارزاتی کنش‌های جمعی را دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). مؤلفه‌ها یا متغیرهای تشکیل‌دهنده این مدل عبارت‌اند از: منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی، و فرصت که متغیر فرصت متشکل از سه عنصر سرکوب (تسهیل)، قدرت، و فرصت (تهدید) است که در این مدل مستقلاً جای دارند (همان: ۸۳-۸۴).



مدل بسیج منابع تیلی (همان: ۸۹).

۳. منافع

تیلی منافع را امتیازات و محرومیت‌های مشترکی که ممکن است بر اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید تعریف می‌کند (همان: ۸۳). اهمیت منافع

در دستگاه فکری تیلی به‌وضوح مشخص است؛ زیرا وی در این مدل منافع را به عنوان متغیر مستقلی در نظر گرفته است که به طور مستقیم بر متغیرهای سازمان، بسیج، سرکوب، و فرصت و به طور غیرمستقیم بر متغیرهای قدرت و کنش جمعی تأثیرگذار است.

تیلی در پاسخ به سؤالاتی مانند، چرا بسیاری از گروه‌ها از بسیج کردن باز می‌مانند؟ یا چرا برخی از گروه‌های بسیج‌یافته در کنش جمعی ناکام می‌مانند؟ و یا این‌که چرا برخی از گروه‌ها هیچ‌گاه به صحنه نمی‌آیند؟ به اهمیت این متغیر در دستگاه نظری‌اش اشاره داشته است. به نظر او بخشی از این تبیین‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی از این دست در مشکلات سازمانی نهفته است، اما بخشی از آن ریشه در این واقعیت دارد که گروه‌ها منافع متنوعی در کنش جمعی دارند (همان: ۹۱-۹۲).

وی با مطالعه سنت‌های نظری مختلف میلی، دورکیمی، وبری، و مارکسی برای شناسایی منافع گروه‌ها در یک کنش جمعی به این نتیجه می‌رسد که دو گزینه عمده برای تعیین منافع وجود دارد: ۱. منافع را از اظهارات و کنش‌های جمعیت استنتاج کرد؛ ۲. آن را از تحلیل کلی روابط میان منافع و موقعیت اجتماعی استنباط کرد. از نظر تیلی، نظریه‌پردازان میلی بیش‌تر به قرائتی از نوع نخست تمایل دارند و مارکسیست‌ها اغلب به قرائتی از نوع دوم می‌پردازند (همان: ۹۲).

طرح‌های مربوط به بازشناسی منافع گروه‌ها در یک کنش جمعی، عموماً تعارضی را میان منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان می‌دهد. وی در پاسخ به این معمای دوجوهی می‌گوید:

پاسخ من به این معما دربردارنده دو قاعده است: روابط تولید را به عنوان پیش‌بینی‌کننده منافی که مردم به طور متوسط و در بلندمدت پیگیری خواهند کرد در نظر بگیرید؛ اما برای تبیین منافع آنان در کوتاه‌مدت، حتی‌الامکان بر مفصل‌بندی خود مردم از منافعشان تکیه کنید (همان: ۹۳).

وی در مقابل معمای منافع فردی و گروهی و تعارضی که این دو در کنش جمعی دارند می‌گوید:

ما در مقابل این معما بی‌دفاع نیستیم. باید پذیرفت که منافع جمعی وجود دارد و برآوردن منافع فردی نقش مهمی در تأمین منافع جمعی ایفا می‌کند. باید با نکته‌سنجی هرچه تمام‌تر، تعارض میان منافع فردی و جمعی را متغیری بدانیم که بر احتمال و ماهیت کنش جمعی تأثیر می‌گذارد. باید میزان این تعارض را به شکل دقیق‌تر به عنوان افزایش هزینه کنش

جمعی برای افراد و برای گروه به طور کلی مد نظر قرار دهیم و باید به تحلیل شیوه‌هایی پردازیم که ترتیبات بدیل تصمیم‌گیری، ترجیحات فردی را به نتایجی جمعی تبدیل می‌سازد (همان: ۹۲).

حال با توجه به توضیح این متغیر در دستگاه نظری تیلی به تشریح منافع هریک از گروه‌های چالش‌گر می‌پردازیم.

۱,۳ تحلیل منافع انقلابیون بر اساس اظهارات و مطالبات آنان در انقلاب مشروطه ۱,۱,۳ مطالبات و درخواست‌های متحصنین در عبدالعظیم

احمد کسروی مطالبات متحصنین عبدالعظیم را در هشت مورد این‌گونه می‌نویسد:

نبودن عسگر گاریچی در راه قم؛ بازگرداندن حاجی میرزا محمدرضا از رفسنجان به کرمان؛ بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاجی شیخ مرتضی؛ بنیاد «عدالت‌خانه» در همه جای ایران؛ روان‌گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور؛ برداشتن مسیو نوز از سرگمرک و مالیه؛ برداشتن علاءالدوله از حکمرانی تهران؛ کم‌نکردن تومانی دهشاهی از مواجب و مستمری (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷).

یحیی دولت‌آبادی علاوه بر این موارد سه درخواست دیگر را هم اضافه می‌کند:

امنیت‌دادن به همراهان ایشان [علما] بعد از آمدن آن‌ها به شهر؛ برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون؛ تجلیل نمودن از میرزا محمدرضا یکی از علمای کرمان که از طرف حکومت کرمان به او بی‌احترامی شده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲۲).

دولت‌آبادی می‌نویسد: «چون قرار بود صورت مطالبات را من به خدمت سفیر کبیر عثمانی عرضه دارم و با میانجی‌گری او مطالبات به محضر مظفرالدین شاه برسد و مطالبات اجرایی شود، از آن‌جایی که مطالبات بسیار بسیار ناچیز بوده و از بی‌فکری و کوتاه‌نظری ایشان ناشی می‌گشت» (همان) و از سویی دیگر او می‌نویسد: «چون درخواست‌ها شخصی بود و من به سفیر کبیر گفته‌ام مطالب آقایان نوعی است و همه در راه اصلاح حال عامه و صلاح ملک و ملت است» (همان).

دولت‌آبادی مدعی است که وی قبل از این‌که صورت درخواست را به سفیر کبیر عثمانی ارائه کند، خواسته برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیان را از کاغذ حذف کرده و بنیاد عدالت‌خانه را به جای آن اضافه کرده است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که ناظم‌الاسلام کرمانی و ملک‌زاده هر دو ادعای دولت‌آبادی را مبنی بر این‌که

خواست عدالت‌خانه از ابتکارات وی است تأکید می‌کنند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۱۸-۱۱۹؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲۷۸-۳۰۱). ژانت آفاری در این باره می‌گوید: دولت‌آبادی از روابط خود با سفیر عثمانی استناد کرده و موضوع عدالت‌خانه را در درخواست‌ها مطرح می‌کند، البته او معتقد است به غیر از دولت‌آبادی، ملک‌المتکلمین هم در تنظیم تقاضانامه‌های انقلابیون در این مرحله نقش محوری ایفا کرده است (آفاری، ۱۳۷۹: ۷۹).

آنچه از مرور خواسته‌های انقلابیون برمی‌آید، مهم‌ترین خواسته‌های آن‌ها در اولین دوره مبارزاتی‌شان ۱. عزل نوز از سمت‌هایش در گمرکات و مالیه؛ ۲. عزل علاءالدوله حاکم تهران؛ و ۳. تأسیس عدالت‌خانه بود (همان)؛ که در نهایت این کنش جمعی انقلابیون با فرمان تأسیس عدالت‌خانه برای پیاده‌سازی قوانین شریعت و تأمین امنیت رعایا صادر شد و ملت و علمای متحصن به عنوان رهبران این اقدام جمعی دو روز بعد از آن از بست خارج شدند (مارتین، ۱۳۸۲: ۶۹-۷۰).

۲,۱,۳ مطالبات و درخواست‌های متحصنین در سفارت انگلیس

پس از صدور فرمان عدالت‌خانه، دولت که در رأس آن شخص عین‌الدوله قرار داشت، با تمام قوا، سعی در مقابله با خواسته‌های متحصنین کرد. او با توسل به ابزارهای گوناگون سعی کرد تا در برابر انقلابیون ایستادگی کند. البته این نکته را هم اضافه می‌کنیم که وی با بخشی از درخواست‌ها که عملاً چندان بر منافعی لطمه نمی‌زد و اقتدارش را خدشه‌دار نمی‌کرد، موافقت کرد. مثلاً علاءالدوله حاکم تهران را از سمتش عزل کرد و نیرالدوله را که به مراتب از علاءالدوله مستبدتر بود، به فرمانداری تهران گمارد (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۱۰).

در نهایت، پس از اتفاقات و سرکوب‌گری‌های دولت در پی عملی‌نشدن خواسته‌های متحصنین در عبدالعظیم پس از گذشت هشت ماه، علما به قصد عزم به عتبات در قم متحصن شدند؛ تجار، صاحبان اصناف، و طلاب حوزه‌های علمیه، به سفارت انگلیس در باغ قلعهک متحصن شدند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۷۰-۷۱). از وقایع آن روزها این‌گونه برمی‌آید که مطالبات متحصنین سیری تکاملی را طی کرده است که نهایتاً همه خواسته‌ها حول یک خواسته یعنی برپایی مجلس شورای ملی جمع می‌شود (بهبهانی، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

کسروی می‌گوید:

روزهای نخست چون [متحصنین] از ترس جان به سفارت رفته بودند، و از آن سوی خود را ناتوان می‌دیدند و دلیری کمی داشتند، درخواست‌های خود را به میانجی‌گری مستر

کرانت دف شارژ دافر انگلیس، به دولت چنین باز نمودند: 'معاودت علمای مهاجرین به تهران؛ اطمینان به این که احدی را به بهانه نخواهند گرفت و شکنجه نخواهند داد؛ امنیت مملکت، چراکه امروز کسی دارای مال و جان خود نیست؛ افتتاح عدالت‌خانه که از طبقه علما و تجار و سایر اصناف برای رسیدگی در مرافعات شرکت داشته باشند؛ قاتل دو سید بزرگوار را قصاص کنند' (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۰-۱۱۱).

بعد از طرح مطالبات متحصنین، جوابی که عین‌الدوله و درباریان می‌دهند حاوی این منظور است که

آقایان علما به اختیار خود عتبات شده‌اند و مملکت در کمال امنیت است و دولت کسی را بدون تقصیر دستگیر نخواهد کرد و سال‌هاست عدلیه باز است و شعاع‌السلطنه ریاست عدلیه را دارد و به عرایض رسیدگی می‌نماید و همچنین کسی کشته نشده تا قاتل او قصاص گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

«پاسخ عین‌الدوله مبین این واقعیت بود که او به هیچ روی قصد عقب‌نشینی ندارد و تا به آخر حاضر به جدال و مقاومت در برابر مخالفین است» (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۴۲۳).

بعد از رسیدن این خبر به سفارت، جنب و جوش خاصی در میان مردم برپا می‌شود.

از یک‌سو زبان‌ها به خواستن مشروطه باز شده و از سوی دیگر محمدعلی میرزای ولیعهد، طی تلگرافی به پدرش و علمای تبریز، با ارسال تلگراف‌های متعدد از اقدامات و مطالبات انقلابیون حمایت کردند. این حمایت‌ها به دلیری هر چه بیش‌تر متحصنین افزود و دولت که آن درخواست‌ها را نپذیرفته بود، این بار خود را در برابر درخواست‌های دیگری روبه‌رو دید (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۲).

«رؤسای متحصنین به علت عدم اطمینان به درباریان این مقطع درخواست پارلمان را به ضمانت چهار دولت (انگلیس، روسیه، آلمان، و عثمانی) می‌خواستند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۹۰). در این مقطع از تحصن در سفارت، مطالبات کم‌تر رنگ و بوی منافع شخصی دارد و موارد پنج‌گانه که از سوی مشروطه‌خواهان تنظیم و تقدیم شاه می‌شود، حول مهم‌ترین و جدیدترین خواسته‌شان یعنی پارلمان‌خواهی، که بیش‌تر نمایان‌گر منافع جمعی است، می‌گردد. آخرین مطالبات آن‌ها به نقل از کسروی و ملک‌زاده به شرح زیر است: «۱. بازگشت علما و مهاجران به تهران؛ ۲. عزل شاهزاده عین‌الدوله از صدارت؛ ۳. برپایی مجلس شورای ملی؛ ۴. قصاص قاتلین شهدای وطن؛ ۵. بازگشت تبعیدشدگان به تهران» (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۷۶؛ کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۲-۱۱۳).

پس از رد و بدل شدن تقاضانامه‌ها و صورت درخواست‌ها، در نهایت با مداخله محمدعلی میرزای ولیعهد، که وخامت اوضاع را دریافته بود، مظفردالدین شاه عین‌الدوله را عزل کرد و مشیرالدوله را، که لیبرال به نظر می‌آمد، به صدارت نشانند (آفاری، ۱۳۷۹: ۸۵). مشروطه‌خواهان در حالی که یکی از مهم‌ترین درخواست‌هایشان به دستور شاه اجابت شده بود، در راستای اصلی‌ترین هدف خود یعنی مجلس شورای ملی هرچه بیش‌تر پافشاری کردند. آن‌چنان که کتاب‌های تاریخی اشاره می‌کنند، طی سه رفت و برگشت اعلام فرمان مشروطیت، سرانجام بر سر تشکیل مجلس شورای ملی توافق شد، اما تاریخ رسمی فرمان ملوکانه، ۵ اوت (۱۳ مرداد)، یعنی سال‌روز تولد شاه تعیین شد (همان: ۸۶).

۲,۳ تحلیل منافع انقلابیون بر اساس موقعیت اجتماعی آنان در انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه با ائتلاف چندگانه نیروهایی آغاز شد که اعضای رادیکال جمعیت‌های مخفی، اصلاح‌طلبان مذهبی و غیر مذهبی، علمای سنت‌گرا، فراماسون‌ها، تاجران عمده و جزء، کسبه، محصلان، و اصناف را دربر می‌گرفت (همان: ۴۲). از نظر ساختار اجتماعی، تقریباً همه بازرگانان و دکان‌داران و صنعت‌کاران، بیش‌تر علما و جامعه مذهبی، کل تحصیل‌کردگان که بسیارشان تحصیلات دینی داشتند، و بیش‌تر مردم عادی شهرنشین به صورت فعال و غیر فعال خواستار و پشتیبان انقلاب بودند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۶۰).

تکمیل همایون انقلاب مشروطیت را یک جنبش کاملاً شهری می‌داند و کوشندگان در این جنبش را شهرنشینان به‌ویژه ساکنان شهرهای بزرگ و پایتخت می‌داند. او در یک تقسیم‌بندی، گروه‌های مختلف شرکت‌کننده در این واقعه را در پنج دسته مجزا جای می‌دهد. از نظر او توده‌های ایلی و روستایی در جریان نهضت قرار نداشتند، اما ضد نهضت هم نبودند و بعضاً مشروطه‌خواهی را به نفع خود، منطقه‌شان، و کشور می‌دانستند و به دلیل هماهنگی با دیانت به آن دل‌بستگی نشان می‌دادند (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۲۱). اما آنچه آشکار است در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان سه گروه عمده روحانیان، تجار، و روشنفکران به عنوان سه گروه اصلی تحت رهبری علما نقش‌شایانی در پیروزی جنبش ایفا کردند. پس از روشن شدن گروه‌های مختلف مبارز، سعی می‌کنیم تا منافع هر کدام از این گروه‌ها مخصوصاً سه گروه عمده نامبرده را از مشارکت و قبول مشقت‌های فراوان بررسی کنیم.

۱,۲,۳ منافع روشنفکران در انقلاب مشروطه

در این پژوهش هدف ما معرفی تعاریف مختلف از این جریان و یا سنخ‌شناسی و تقسیم‌بندی روشنفکران ایرانی بر اساس ملاک‌های مختلف تقسیم‌بندی نیست، بلکه فقط در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم که روشنفکران ایرانی در جریان نهضت مشروطیت چه منافع داشتند؟ آنان با چه انگیزه‌هایی در جنبش مشروطه مشارکت کردند؟ البته قبل از پاسخ به سؤال اصلی، یعنی تعیین منافع این گروه مقصود خود را از روشنفکر و روشنفکری بیان می‌داریم.

نخستین تکاپوهای روشنفکرانه در مفهوم جدید آن، در ایران عصر قاجاریه از زمان سلطنت ناصرالدین شاه و در قالب افکار و تمایلات نوگرایانه و اصلاح‌طلبانه گروهی از نوگرایان و اصلاح‌طلبان حکومتی و غیر حکومتی چهره خود را نشان داد (آجدانی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). درست در نخستین دهه‌های قرن نوزدهم میلادی بود که در ذهن معدودی از افراد جامعه ایران اندیشه ترقی، نوگرایی، و اصلاحات شکل گرفت. این اندیشه ناشی از سفرهای خارجی عده‌ای از دیپلمات‌ها، تجار، و مهاجران ایرانی به برخی از کشورهای اروپایی و کشورهایی چون هند و عثمانی، که تحت تأثیر تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی غرب قرار داشتند، قدم به قدم وارد ایران عصر قاجار شد (همان: ۱۱).

ماحصل ورود اندیشه روشن‌گری از غرب ظهور قشری در جامعه ایران بود که تا آن هنگام در جامعه حضور نداشتند. این گروه را روشنفکران نامیده‌اند. دو معیار عمده در شناسایی روشنفکری در تاریخ ایران در اختیار داریم: «۱. نقد وضعیت موجود، ۲. نوآوری و اصلاح‌گری اجتماعی» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۱).

به دست دادن تعریفی از روشنفکر که اکثریت از آن راضی باشند بسیار دشوار است و دشواری آن هنگامی دوچندان می‌شود که پژوهش‌گر بکوشد برای این قشر نامشخص در جهان به اصطلاح در حال توسعه تعریفی کارساز ارائه دهد (بروجردی، ۱۳۷۷: ۴۰).

چنانچه تعاریف مختلف از روشنفکر و جریان روشنفکری را به منظور ارائه تعریفی جامع و خوشایند از روشنفکر در یک‌دیگر ترکیب کنیم، روشنفکران اشخاصی‌اند که از چهارچوب‌های سنتی جامعه خود در هر زمینه فراتر می‌روند؛ ارزش‌های جدیدی پدید می‌آورند و یا به ارزش‌های قدیمی جامعه خویش جامعه‌ای نو می‌پوشانند؛ و سیستم فکری جدیدی برای تبیین وجوه مختلف زندگی عرضه می‌کنند. آن‌ها با به‌کارگیری قدرت

اندیشه انتقادی به حل مسائل و مشکلات عملی می‌پردازند و در نهایت هم با طرح پرسش‌هایی از چرایی و چگونگی نظام سیاسی حاکم بر کشور آن را به چالش می‌کشند. آزاد ارمکی با بهره‌گیری از مفهوم پارادایم، پنج دوره برای جریان‌های روشنفکری در ایران برشمرده و هر دوره را پارادایم نامیده است (هاشم زهی، ۱۳۸۶: ۶۲). وی روشنفکری و روشنفکران دوره مشروطه تا پهلوی دوم را که دوره مد نظر ماست، در پارادایم عقب‌ماندگی قرار می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۳). نمایندگان اصلی جریان عرف‌گرایی روشنفکری و روشنفکران عصر مشروطه با پنج شخصیت تأثیرگذار این دوره شناسایی می‌شوند: میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، و میرزا آقاخان کرمانی. افکار و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آنان در عصر قاجاریه، با طرح هرچه جدی‌تر و گسترده‌تر مفاهیمی چون اصالت تجربه، خردگرایی، فلسفه طبیعی، اصلاحات مذهبی، ملت و ناسیونالیسم، قانون، آزادی، برابری، دموکراسی، سکولاریسم، حکومت مشروطیت پارلمانی، جامعه مدنی و حقوق شهروندی، گفتمان نوگرایی و اصلاحات را وارد مرحله جدیدی در تاریخ و جامعه ایران می‌کنند (آجدانی، ۱۳۸۶: ۳۲).

یگانه خواست و اساسی‌ترین مطالبه روشنفکران، مجلس شورای ملی یا مشروطه‌شدن نظام استبدادی قاجار بود. البته مطالباتی چون عزل علاءالدوله در عبدالعظیم و یا عزل عین‌الدوله، نه این‌که از درخواست‌های آن‌ها نباشد، چراکه برکناری آن دو شخصیت مخصوصاً عین‌الدوله هدف کوتاه‌مدتی بود که آنان را به هدف متعالی‌تر مد نظرشان یعنی مجلس شورای ملی هدایت می‌کرد، اما به هر حال اهمیت کم‌تری داشتند.

حال سؤال اساسی این‌جاست که روشنفکران از مشروطه‌شدن نظام سلطنتی چه هدفی داشتند و یا چه نفعی می‌بردند؟ پاسخ این است که روشنفکران با توجه به وضعیت ذهنی و عینی‌شان که متأثر از آگاهی‌های مکتسب از غرب بود، فقط در جامعه‌ای با داشتن نهادهایی مانند پارلمان امکان حیات اجتماعی داشتند.

۲,۲,۳ منافع تجار در انقلاب مشروطه

عبدالله مستوفی می‌نویسد: «یکی از روزها، آشپز یکی از قسمت‌ها [سفارت] نزد حاجی محمدتقی بنکدار که قسمت آشپزخانه در اداره او بود، آمد و گفت: حاجی آقا! هیزم ما تمام شده فرستاده‌ایم بیاورند، نیاورده‌اند. حاجی محمدتقی دسته اسکناسی از جیب درآورده نزد

او انداخت و گفت: هیزم نداری؟ اسکناس بسوزان! (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۶۳). این جمله اگر بیان‌گر همه واقعت نباشد، خالی از واقعت هم نیست.

حال سؤال اساسی این است که تجار در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان چه منافع داشتند؟ برای پاسخ به این سؤال باید در پی یافتن انگیزه‌های آنان از مشارکت در انقلاب، تحلیل خواسته‌های رسمی که انقلابیون طی مبارزاتشان به دربار فرستادند و بیان‌گر منافع تجار از مشارکت در جنبش انقلابی بود، ارتباط تجار با دیگر گروه‌های مشارکت‌کننده و بسیاری موارد دیگر، که مستقیم یا غیر مستقیم تعیین‌کننده منافع این گروه است، باشیم. قبل از پاسخ به این سؤالات برای روشن شدن هر چه بیش‌تر بحث منافع تجار، فهم چهره عمومی اقتصاد ایران که تجارت مهم‌ترین بخش آن بود تا حدود زیادی راهگشای ما خواهد بود؛ چراکه با نگاهی اجمالی به شرایط اقتصادی آن دوره و درک زمینه‌های به‌وجودآورنده اعتراضات تجار، منافع آنها بهتر مشخص می‌شود.

مهم‌ترین مسائل تجاری ایران پیش از مشروطه عبارت‌اند از: «۱. افزایش حجم تجارت خارجی ایران به‌خصوص با روسیه و انگلیس؛ ۲. افزایش حجم تجارت خارجی ایران با روسیه در مقایسه با رقیب دیگرش انگلیس؛ ۳. افزایش واردات کالاهای خارجی و علاقه بخش‌هایی از مردم به مصرف این اجناس؛ ۴. کاهش ارزش پول ایران در برابر ارزهای خارجی؛ ۵. ناتوانی صنایع تولیدی ایران در مقایسه با صنایع مشابه خارجی» (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

چنانچه به موارد بالا، ناامنی که از عوامل مهم عدم رشد تجاری به حساب می‌آید، بی‌نظمی در امور گمرکی، نبودن تعرفه‌های مشخص و یک‌سان قانونی، و درنهایت رشوه‌گیری، فساد مالی، و مالیات‌های سنگین از سوی حکام را هم اضافه کنیم (همان: ۲۳) می‌بینیم که تجار از این وضعیت ایران، که از پیش در مناسبات جهانی درگیر و با حضور فزاینده دو امپراتوری قدرت‌مند روسیه و انگلیس کمابیش به کشوری نیمه‌مستعمره تبدیل شده بود، بیش‌ترین تهدید را علیه منافعشان حس می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

تجار ایرانی در مقابله با چنین شرایطی قبل از انقلاب مشروطیت راه‌حل‌های گوناگونی را برای دفاع از منافع خود امتحان کردند. راه‌حل‌های موقتی، نظیر به تابعیت درآمدن کشورهای روسیه و انگلیس یا خریداری زمین‌های کشاورزی از سوی آنان که با گذشت زمان ناکافی از کار درآمد (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۴۴). خسرو شاکری دو جنبش را که

زمینه‌ساز انقلاب مشروطیت بود و تجار با حمایت روحانیت و با توجه به وابستگی‌های آن دو برپا کردند، این‌گونه بیان می‌کند: «شورش بابیان در سال‌های ۱۲۲۷-۱۲۳۰، که اساساً یک شورش تجار در لباس مذهب بود، نخستین نمود نارضایتی رو به رشد در کشور بود که با سرکوب خونین مواجه شد. اما به دنبال آن، شورش پیروزمندانه علیه واگذاری امتیاز انحصاری تجارت داخلی و خارجی تنباکوی تولیدشده در ایران به یک شرکت انگلیسی برپا شد» (همان: ۱۴۵). از سوی دیگر علاوه بر اوضاع اقتصادی متزلزل و بی‌ثبات ایران که شرح آن رفت، تجار بزرگ به دلیل مسافرت‌های خارج از کشور، آشنایی با تمدن غرب، رشد علم و تکنولوژی، و نزدیکی و مصاحبت با روشنفکران و آگاهان اجتماعی به لزوم پیشرفت و ترقی کشور، که هرچه بیش‌تر آن را منتفع می‌نمود، پی بردند (رهبری، ۱۳۸۷: ۵۸). برای مثال می‌توان به ملاقات‌های امین‌الضرب، مرد اول اقتصاد و تجارت، با سیدجمال‌الدین اسدآبادی اشاره کرد (کدی، ۱۳۵۸: ۲۴).

تجار که در این مقطع از زمان، بعد از مداخلاتشان در جنبش ضد رژی (تنباکو)، از طبقه‌ای اقتصادی به طبقه‌ای سیاسی تبدیل شده بودند، با آگاهی نسبت به منافع خویش در مقابل قدرت استبدادی قد علم کردند (رهبری، ۱۳۸۷: ۸۹). آنان پس از درک اشتراکات صنفی و ملی خود، مبارزه‌ی جدیدی را در مقابل سلطه‌ی استبداد و بی‌عدالتی داخلی و استیلای خارجی به‌کار گرفتند (احمدزاده، ۱۳۸۳: ۹۳). با تأمل بر روی خواسته‌های تقدیمی انقلابیون به مظفرالدین‌شاه، در هجرت صغری، دو مطالبه‌ی طرح‌شده در میان دیگر خواسته‌ها، از سوی متحصنین عبدالعظیم، مستقیماً تأمین‌کننده‌ی منافع تجار است: ۱. عزل مسیو نوز بلژیکی؛ ۲. برکناری علاءالدوله حاکم تهران (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷).

با نگاهی به شرایط متحصنین و مطالبات آن‌ها در هجرت کبری می‌بینیم که سه ماده از مواد مطالبه‌های حاضران در سفارت، ارتباط مستقیمی با تجارت دارد که نشان‌دهنده‌ی درک تجار از منافع طبقاتی‌شان است (رهبری، ۱۳۸۷: ۸۳). سه خواسته که مستقیماً تأمین‌کننده‌ی منافع آن‌هاست عبارت‌اند از: «۱. امنیت و عفو عمومی کلیه‌ی پناهندگان به سفارت؛ ۲. نیامدن عین‌الدوله به تهران؛ ۳. گرفتن قبض‌ها و برات‌های دولتی از دارندگان و پرداخت پول آن‌ها به هر یک از طلبکاران» (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۲؛ رهبری، ۱۳۸۷: ۸۳).

ملک‌زاده خواسته‌ی مجلس شورای ملی یا پارلمان‌خواهی را هم از مطالبات تجار، بازرگانان، و اصناف می‌داند. او می‌گوید حاجی معین‌التجار، از بازرگانان معروف بوشهر در دوره‌ی تحصن در سفارت انگلیس، از بازرگانانی بود که به همراه سایر تجار بزرگ همچون

محمدحسین امین‌الضرب نزد عین‌الدوله رفته بودند. او با شجاعت زیاد خواسته متحصنان را بیان کرد و گفت:

من از این جماعت نیستم و حرف را پوست‌کنده می‌زنم. این جماعت که خدمت شما هستند، جسم‌شان خدمت شما و روحشان پیش متحصنین است و با آنان هم‌فکر و هم‌عقیده هستند، مجلس می‌خواهند. آن‌ها مجلس مبعوثان می‌خواهند. از همان مجلس که در تمام دنیا هست (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۷۶).

آن‌چنان که مشخص است تجار در عصر مشروطه بسیار از نظام خودکامه متضرر می‌شدند. لذا از دید آنان یگانه راه حلی که می‌توانست در مقابل موارد ذکرشده ایستادگی کند و از منافع آن‌ها در مقابل آسیب‌های حکومت استبدادی دفاع کند مجلس شورای ملی بود. تجار و اصناف هم مثل روشنفکران در فضای یک حکومت مشروطه که ملجأ و مأوایی برای بردن اعتراضاتشان در مقابل تعدی‌گری‌های حکومت استبدادی محسوب می‌شود بسیار منتفع می‌شدند. البته نباید فراموش کرد که همراهی تجار با روشنفکران در آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی به یک معنی نبود.

درحقیقت وقتی تجار از آزادی، عدالت، و قانون و امثال آن صحبت می‌کردند منظورشان همان آزادی در امور تجاری، برابری با اشراف در رعایت نظم و ترتیب در مالیاتی که باید بپردازند و مانند این‌ها بود (مؤمنی، ۱۳۵۲: ۵۹).

۳،۲،۳ منافع روحانیت در انقلاب مشروطه

سومین گروه مشارکت‌کننده در انقلاب مشروطه روحانیان بودند. این گروه که در انقلاب مشروطه توسط علما بیش‌تر نقش رهبری را عهده‌دار بودند، در این خیزش مردمی نقش بسزایی در بسیج کردن توده‌ها ایفا کردند (ایوانف، ۱۳۵۷: ۳۷). حال سؤال اساسی این‌جاست که روحانیت که یکی از دو مرکز قدرت اجتماعی در دوران قاجار بود و عملاً روبه‌روی قدرت سیاسی حکومت قرار می‌گرفت؛ انگیزه اصلی‌اش در این مبارزه و اقدام جمعی علیه دولت در انقلاب مشروطه چه بود؟

در عصر قاجار روابط ساختار قدرت در ایران به دو حوزه سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شد که دربار در رأس هرم قدرت سیاسی و روحانیان در رأس هرم قدرت اجتماعی قرار داشتند. اگرچه حوادثی مانند جنبش تنباکو روابط فی‌مابین و تمایز در قدرت سیاسی و اجتماعی را با خلدشه‌هایی قطعی روبه‌رو ساخت؛ اما تا قبل از جنبش مشروطیت در ایران با

وجود افزایش قدرت و نفوذ روحانیان در ساختار سنتی و مذهبی جامعه ایران، شاهد هیچ‌گونه مقاومت و مخالفت اساسی آن‌ها در دفاع از حقوق ملت در برابر سیاست‌های ظالمانه و مستبدانه پادشاهان قاجار نیستیم (حبیبی خوزانی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹).

روحانیت در این دوره به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شدند: یک دسته از روحانیان که در اقلیت بودند، از نفوذ در دربار و ثروت و املاک برخوردار بودند و به قول طالبوف ملّاک اند، محترکند، آشوب را دوست دارند و صدای نعلین را می‌پرستند. دسته دیگر روحانیانی هستند که اکثریت را تشکیل می‌دادند. پیوندهای محکمی با توده مردم داشتند. اینان غالباً وضعیت مالی خوبی نداشتند و بیش‌تر اهل ورع و پرهیزکاری بودند، به همین دلیل نفوذ معنوی خوبی در بین آحاد ملت داشتند (گودرزی، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۶). علل و زمینه‌های نارضایتی روحانیان از سلاطین قاجار، که نهایتاً به مشارکت فعال و نقش رهبری آن‌ها در جنبش‌های اعتراضی منجر شد، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. جایگاه مذهبی حکومت قاجارها: اصولاً قاجارها بر خلاف اسلاف صفوی خود خاستگاه و مشروعیت مذهبی نداشتند. گرچه شاهان اولیه قاجار، به ویژه فتحعلی شاه، برای جلب اعتماد و حمایت علما و روحانیان به تلاش دست زدند و در این‌باره توفیق چشمگیری یافتند (موسوی، ۱۳۸۶: ۹۵)؛

۲. اصلاحات از سوی برخی از کارگزاران حکومتی: یک سری از اصلاحات که درصدد جانشین کردن ترتیبات جدید عرفی به جای ترتیبات سنتی شرعی بود، با مقاومت شدید علمای مذهبی مواجه شد؛

۳. نفوذ و تسلط روزافزون قدرت‌های خارجی بر حیات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی ایران (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۷۰-۳۷۷): روحانیت از یک طرف نفوذ و تسلط بیگانگان بر ایران را به معنای تفوق کفار بر سر سرنوشت مسلمانان تلقی می‌کردند و از سویی دیگر استیلای بیگانگان منافع تجار را تهدید می‌کرد و روحانیت به علت ارتباط تنگاتنگ با این طبقه حمایت خود را از آن‌ها دریغ نمی‌کردند (کدی، ۱۳۵۸: ۵۸؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۱).

انگیزه علما از مشارکت در جنبش را از تلگراف مراجع سه‌گانه مشروطه‌خواه نجف که رسماً اعلام می‌کنند، می‌توان فهمید. آنان در تلگراف هدف خود را این‌گونه بیان می‌دارند: «ما جز حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقای سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد غرضی نداریم» (مؤمنی، ۱۳۵۲: ۲۵۴)؛ اما باقر مؤمنی در کتاب دین و دولت در این‌باره این‌گونه می‌نویسد:

این‌ها [روحانیت شیعه] در آغاز به دو دلیل وارد جنبش شدند: یکی بلندپروازی‌هایشان برای گسترش بیش‌تر قدرت روحانیت در برابر حکومت بود و دیگری فشار مردم و بازاریان؛ که به علت وابستگی با روحانیت آن‌ها را برای پیشبرد هدف‌های خویش به میدان می‌کشاندند (همان: ۱۸۷).

برخی از محققان و تاریخ‌نگاران ذیل برشمردن علل و عوامل که شکل‌دهنده انگیزه‌های گوناگون علما و روحانیت در مبارزات آن‌ها بود، خصومت‌ها و غرض‌ورزی‌های شخصی را هم یکی از انگیزه‌های اصلی محرک آن‌ها در شروع و حمایت از مشروطه نام می‌برند. ملک‌زاده، ناظم‌الاسلام کرمانی، و کسروی نمونه‌هایی از حوادث را ذکر می‌کنند که عین‌الدوله خواسته‌های بهبهانی را رد و به نحوی وی را تحقیر می‌کرد (کسروی، ۱۳۴۹: ۳۵؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۶۵-۱۶۷؛ صفایی، ۱۳۴۴: ۱۱۹-۱۲۰؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲۲۰-۲۲۱).

با مرور خواسته‌های متحصنین در عبدالعظیم، که کنش‌گران حاضر در آن‌جا بیش‌تر طلاب مدارس دینی بودند تا دیگر اقشار مردم، مطالبات تأمین‌کننده اهداف روحانیت عبارت‌اند از: ۱. نبودن عسگر گاریچی در راه قم؛ ۲. بازگرداندن حاجی میرزا محمدرضا از رفسنجان به کرمان؛ ۳. بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی؛ ۴. بنیاد عدالت‌خانه در همه جای ایران؛ ۵. روان‌گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور» (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷).

آن‌چه مشخص است خواسته‌های مذکور، از هشت خواسته‌ای که متحصنین مطرح کردند، مستقیماً تأمین‌کننده مقاصد روحانیت است. کسروی در ارتباط با خواسته اول می‌گوید:

این مرد [عسگر گاریچی] درشکه و گاری‌رانی راه قم را از دولت امتیاز گرفته و با رهگذران بدرفتاری بسیار می‌کرد، و این بود که همیشه علمای قم و طلبه‌های آن‌جا، از این ناله و گلایه می‌داشتند و به علمای تهران دادخواهی می‌نمودند. دو سید چون می‌خواستند دل‌جویی از علما و طلبه‌های قم نمایند این را یکی از درخواست‌های خود گرفتند (همان).

درباره خواسته دوم، یعنی بازگردانیدن حاجی محمدرضا از رفسنجان به کرمان، کسروی و ناظم‌الاسلام شرح کاملی از اتفاقات را ذیل عنوان «واقعه کرمان در سال ۱۳۲۳» (ناظم‌الاسلام، ۱۳۴۶: ۶۸) و «آشوب کرمان» (کسروی، ۱۳۴۹: ۵۲) بیان می‌کنند که ما از پرداختن به شرح حادثه صرف نظر می‌کنیم. در آن حادثه عده‌ای کشته شدند و ظفرالسلطنه،

حاکم شهر، ابتدا مجتهد شهر یعنی حاجی محمدرضا را به همراه چند تن دیگر فلک و سپس به رفسنجان تبعید کرد (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

سومین خواسته بست‌نشینان در عبدالعظیم، بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاجی شیخ مرتضی بود. فردای بعد از چوب‌خوردن تجار قند، بازرگانان و تجار همراه با اصناف علما را به مسجد کشیدند و همگی آن‌ها به غیر از شیخ فضل‌الله در مسجد شاه حاضر شدند. حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه در میان سخن‌رانی سیدجمال‌الدین واعظ بلوایی برپا کرد و مجلس را به هم ریخت که نهایتاً فردای پس از واقعه مسجد شاه تحصن در عبدالعظیم رقم خورد (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۰-۶۴). پس از رفتن علما به عبدالعظیم، عین‌الدوله این خوش‌خدمتی روحانیان طرفدار خود را بی‌پاداش نگذاشت. مدرسه خازن‌الملک و مدرسه خان مروی، که تولیت آن‌ها با حاجی شیخ مرتضی بود، را به ملامحمد آملی و میرزا قاسم امام جمعه واگذار کرد. همچنین ابن بابویه را که تولیتش با صدرالعلما بود به امام جمعه واگذار کرد (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۴؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۱۰). آن‌چنان که ناظم‌الاسلام، کسروی، و ملک‌زاده نقل می‌کنند این خوش‌خدمتی امام جمعه سبب شد که عین‌الدوله موقر السلطنه را مجبور به طلاق کرد و پس از چندی به عقد امام جمعه درآمد (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲۷۰؛ کسروی، ۱۳۴۹: ۶۵؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵).

چهارمین خواسته متحصنین که تأمین‌کننده منافع روحانیت بود عدالت‌خانه یا به‌وجود آمدن دستگاه قضایی در برابر ظلم و جور بود. درباره این مطالبه که آیا واقعاً خواسته روحانیت بود یا نه، مورخان و محققان بسیاری قلم‌فرسایی کرده‌اند. در ظاهر این خواسته یعنی تأسیس عدالت‌خانه در تضاد با منافع دستگاه روحانیت است. این تضاد را هم مظفرالدین شاه اشاره می‌کند. پس از گذشت هشت ماه از صدور فرمان شاه برای ایجاد عدالت‌خانه در کشور و با به‌اجرا درنیا آمدن این فرمان به دست عین‌الدوله دوباره مردم در مسجد جامع گرد هم می‌آیند و سیدعلی آقای یزدی نزد شاه می‌رود تا اجرایی شدن عدالت‌خانه را از وی بخواهد. شاه در پاسخ می‌گوید: «جمع شدند که ما عدالت‌خانه می‌خواهیم. شما می‌دانید که آقا سیدعبدالله و حاج شیخ فضل‌الله طالب عدالت‌خانه نمی‌باشند. عدالت‌خانه مضر به حال این‌ها می‌باشد. بر فرض، امروز عدالت‌خانه در مملکت منعقد شود، اول صدای همین اشخاص بلند خواهد شد که ما عدالت نمی‌خواهیم» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵۷). طباطبایی هم مضار عدالت‌خانه را برای روحانیت

می‌داند و با توجه به متضادبودنش با منافع روحانیت باز هم طالب آن است (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۲۰؛ کسروی، ۱۳۴۹: ۷۶). بنا به ادعای یحیی دولت‌آبادی، در متن اولیه درخواست‌های علما و مهاجران به تقاضای عدالت‌خانه اشاره نشده بوده و او قبل از آن‌که متن مزبور را به شمس‌الدین بیگ، سفیر عثمانی، برای ارائه به مظفرالدین شاه تسلیم کند آن را اضافه کرد.

برخلاف گفته‌ی بعضی از محققان معاصر که هدف از تأسیس عدالت‌خانه را مبهم و نامعلوم جلوه داده‌اند این‌طور نبوده است (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰: ۱۳۹). به هر حال روحانیت چه بر اثر فشار مردم و یا روشنفکران و چه به دلایل ایدئولوژیکی و انگیزه‌های مادی، از ظلم دستگاه استبدادی قاجار، بنا بر وظیفه‌ی حمایت از مردم مسلمان خسته بودند و خواهان برابری شاه و گدا بودند. آن‌ها هم مثل دیگر اقلیت‌ها مشارکت‌کننده در انقلاب از نعمت عدالت‌خانه به شکل اسلامی ذی‌نفع بودند و برپایی نهاد عدالت‌خانه را از اهم وظایف خود می‌دانستند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

پنجمین خواسته‌ی متحصنین که تأمین‌کننده‌ی هدف مستقیم روحانیت است «روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور است» (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷).

در نهایت شاه به این خواسته‌ها پاسخ مثبت داد. او دستور داد «مقاصد آقایان را اجرا دارید و آن‌ها را تا فردا بیاورید به شهر و الا من خودم می‌روم و آن‌ها را می‌آورم...» (همان: ۶۹). در پی این فرمان، علما و دیگر مهاجران در ۲۲ دی ۱۲۸۴ به تهران بازگشتند و به انتظار وعده‌ها نشستند. پیگیری مطالبات وعده‌داده‌شده از سوی علما و مردم، کار را هرچه بیش‌تر به دولت تنگ کرد، تا جایی که علما در گردهمایی مسجد جامع که به خون‌خواهی طلبه‌ای به نام سیدعبدالحمید شکل گرفته بود در پیامی به دولت گفتند: یا عدالت‌خانه را برپا کنید، یا ما را بکشید و به دیگران کاری نداشته باشید، و یا به ما راه دهید از شهر بیرون رویم. دولت پیشنهاد سوم را پذیرفت و علما که در رأس آنان آقایان بهبهانی، طباطبایی، و نوری قرار داشتند در ۲۴ تیر ۱۲۸۵ راهی قم شدند که این حرکت در تاریخ معاصر ایران به «هجرت کبری» معروف است. بعد از خالی‌شدن شهر از علما، تجار از ترس جان یا برای پیشبرد مقاصد، تحت فرمان علما یا به خواست خودشان به سفارت انگلستان در باغ قلهک متحصن شدند (تقوی، ۱۳۸۴: ۵۷).

در این مقطع در صورت اولیه‌ی درخواست‌ها فقط مطالبات در راستای حفظ جان و مال و داشتن امنیت است (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۷۲؛ مدیر حلاج، ۱۳۱۲: ۲۹)؛

اما با قوت گرفتن کار مشروطه‌خواهان مطالبهٔ پارلمان‌خواهی مطرح می‌شود و روحانیت همهٔ مطالبات را در هم‌سویی با ملت به این مطالبه تقلیل می‌دهد (تقوی، ۱۳۸۴: ۶۵؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۹۹-۱۰۰).

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های انقلاب مشروطه، این چالش‌گران انقلابی مشروطه‌خواه بودند که آگاهانه آن را رقم زدند. روشنفکران، بازاریان، و روحانیان مهم‌ترین چالش‌گران انقلابی بودند که هر کدام سهمی در پیروزی انقلاب داشتند.

در انقلاب مشروطه، روشنفکران در مقایسه با دیگر چالش‌گران، نفوذ کم‌تری در میان توده‌ها داشتند؛ اما بر هیچ‌کس پوشیده نیست که نقش موتور محرکهٔ انقلاب را داشتند؛ زیرا با تزریق دیدگاه‌هایشان در رهبری انقلاب، مسیر انقلاب را به سوی مفاهیمی چون آزادی، استقلال، و عدالت، با در نظر گرفتن خیر عمومی، رهسپار کردند.

حضور فعال اکثریت روحانیان مخالف در رأس نهضت انقلابی مشروطه سازندهٔ ضلع دوم چالش‌گران مشروطه‌خواه بود. در انقلاب مشروطه، شبکهٔ روحانیت، با توجه به هم‌بستگی و پیوندهای درونی که میان خودشان و دیگر طبقات و شئون اجتماعی داشتند، جریان کاری کارآمد به حساب می‌آمدند که به‌سهولت توانستند فرایند بسیج‌گری و کنش جمعی انقلابی را رهبری کنند. تاریخ انقلاب مشروطه بیان‌گر آن است که نقش مذکور از عهدهٔ هیچ حزب سیاسی مدرن متأثر از ایدئولوژی‌های غربی، که کم و بیش در این دو انقلاب حضور داشتند، بر نمی‌آمد.

بازار در جایگاه مهم‌ترین تأمین‌کنندهٔ منابع مالی برای چالش‌گران مطرح بوده است. پیوند نزدیک بین آن‌ها و روحانیت، ائتلاف انقلابی بین گروه‌های انقلابی را علیه دشمن مشترک (حکومت) تسهیل کرد. نکته‌ای که دربارهٔ بازاریان، در جایگاه یکی از گروه‌های انقلابی، حائز اهمیت است آن است که نقطهٔ شروع مبارزات یا علت نزدیک پیدایش نارضایتی‌های مردمی که موجب بسیج انقلابی شد، از سخت‌گیری‌هایی که رژیم علیه بازاریان شروع کرده بود آغاز شد. در انقلاب مشروطه بازاریان که توان مقابله با سخت‌گیری‌های رژیم علیه خویش را نداشتند و از این فشارها از حیث اقتصادی و اجتماعی سخت متضرر و مورد هجوم بودند، تظلم‌خواهی خود را به طرف خانهٔ علما و

شبکه روحانیت بردند و آن‌ها هم به علت پیوندهایی که با بازاریان داشتند در دفاع از آن‌ها به مقابله با حکومت برخاستند.

با نگاهی به خواسته‌های انقلابیون در انقلاب مشروطه تا حد زیادی به این نتیجه قطعی می‌توان رسید که منافع انقلابی دو گروه روحانیان و بازاریان در انقلاب مشروطه بسیار شخصی، گروهی، و یا صنفی است و فقط روشنفکران هستند که با طرح برپایی مجلس شورای ملی مصلحت عمومی طلب می‌کنند.

بازاریان و روحانیان دغدغه مخاطره منافع خود را داشتند، اما رسیدن به منافع خود را در براندازی و سرنگونی رژیم نمی‌دیدند و صرفاً در پی محدودکردن قدرت حاکمیت در راستای منافع صنفی خویش بودند. مشروطه‌خواهان به دنبال پایه‌گذاری مجلس عدالت‌خانه و در مرحله بعد مجلس نمایندگان ملت در قالب همان رژیم قبلی بودند، و با طرح این مطالبات عمدتاً غیر شخصی که منافع عموم ملت را هم دربر داشت، به دنبال تعویض منابع مشروعیت قدرت درون همان نظام بودند و به هیچ روی قصد براندازی رژیم قاجاری را نداشتند. بنابراین در جریان انقلاب مشروطه، درخواست مجلس شورای ملی پس از طرح از طرف روشنفکران، مطالبه همه گروه‌های انقلابی شد و همه گروه‌های انقلابی برای اجراکردن این خواسته، همه منابع خود را بسیج کردند. با این حال قابل تأکید است گروه‌های انقلابی در کنار این مطالبه عمومی، تا آخرین لحظه‌های مبارزات انقلابیشان، مطالبات شخصی خودشان را نیز که بیان‌گر منافع شخصیشان بود دنبال می‌کردند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۸۶). *روشنفکران ایران در عصر مشروطیت*، تهران: اختران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). *مدرنیت ایرانی؛ روشنفکران و پارادایم عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). *انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶)*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- احمدزاده، میرحواس (۱۳۸۳). «بازرگانان و مشروطیت ایران تا صدور فرمان عدل مظفری»، در *مشروطه‌خواهی ایرانیان*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- انصاری رنانی، قاسم و قنبرعلی کرمانی (۱۳۸۰). *تجارت در دوره قاجاریه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۶۲ تحلیلی جامعه‌شناختی از منافع گروه‌های انقلابی در انقلاب مشروطه

- ایوانف، الکسوویچ (۱۳۵۷). *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه آذر تبریزی، تهران: شاهرضا.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷). *روشنفکران ایرانی و غرب*، تهران: فرزاد روز.
- بهبهانی، شهریار (۱۳۸۷). *زندگی سیاسی و اجتماعی سیدعبدالله بهبهانی از رهبران مشروطیت*، تهران: امید فردا.
- بهشتی سرشت، محسن (۱۳۸۰). *نقش علما در سیاست از مشروطه تا انقراض قاجار*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی انقلاب (جزوه درسی)*.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تقوی، مصطفی (۱۳۸۴). *فراز و فرود مشروطه*، تهران: مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۳). «از جنبش عدالت خواهی تا مشروطیت»، در *مشروطه خواهی ایرانیان*، ج ۱، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). «تبیین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ بر اساس سرمشق انتخاب عقلانی و نظریه بسیج منابع»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، س ۱۵، ش ۵۶-۵۷.
- حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۷). *گفتمان مشروطه اسلامی: بررسی زمینه‌های پیدایش*، بی‌جا: بی‌نا.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). *حیات یحیی*، تهران: فردوسی.
- رهبری، هادی (۱۳۸۷). *تجار و دولت در عصر قاجار، از هم‌زیستی تا رویارویی*، تهران: کویر.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷). *سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*، تهران: روزنه.
- شاگری، خسرو (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد*، تهران: اختران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۴). *رهبران مشروطه: مشتمل بر ۲۴ بیوگرافی و شرح جالب و شگفت‌انگیز کلیه حوادث و وقایع نهضت مشروطه ایران*، تهران: جاویدان علمی.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۶). *تأملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون*، تبریز: ستوده.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کدی، نیکی. آر. (۱۳۵۸). *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۴۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کسروی، احمد (۱۳۴۹). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.

- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). *تجدد ناتمام روشنفکران ایران*، تهران: اختران.
- لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاویدان خرد.
- مارتین، ونسا (۱۳۸۲). «حوادث و رخدادها»، در *مجموعه مقالات ایرانیکا*، تألیف گروه نویسندگان، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳). *مقدمات مشروطیت*، به کوشش جواد تفرشی و جواد جان فدا، تهران: علمی.
- مدیر حلاج (۱۳۱۲). *تاریخ نهضت ایران*، به کوشش علی اکبر تسلیمی، تهران: بی‌نا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من*، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: علمی.
- موسوی، محمد (۱۳۸۶). *دین و دولت در ایران معاصر*، قزوین: حدیث امروز.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۲). *ایران در آستانه انقلاب مشروطیت*، تهران: صدای معاصر.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی